



## ادعای پاپ عزیز و برهان عبدالعزیز

پاره ای تصور می کنند که این پاپ  
جدید هوش و درایت سلف لهستانی  
خود را ندارد. چه که ژان پل دوم هم  
گر چه از برادران حزب الله بیزار  
بود، چشم دیدن قرآن را هم نداشت،  
اما اقلآ در ظاهر سازی استاد بود. ژان پل وقتی در انظار  
بود قرآن را می بوسید، و فقط چون به خلوت می رسید،  
هر چه از دهانش در می آمد نثار هر چه مسلمان و  
مسلمان پس انداز است می کرد. اما این بندیکت  
شانزدهم در همان اولین جلوس بزرگ خود تیشه را به  
ریشه زده، آنهم گویا از سر ناشیگری و بی احتیاطی

در حالیکه اصلاً اینگونه نیست. این پاپ آلمانی نه تنها یک استاد تمام عیار فلسفه ی  
عقلی و نقلی جدید و قدیم است، نه تنها سیاست را هزار بار از پاپ قدیم بهتر می  
شناسد، بلکه هزاران بار هم از ژان پل دوم محافظ کار زیرک تر و موقعیبت سنج تر  
است. وی که به یکباره بدین مقام تکیه زده. او نزدیک به شصت سال است در خدمت  
واتیکان است. از همان جوانی هم بعلت احاطه اش به فلسفه ی لاهوت و ناسوت،  
تئوریسین و استاد فلسفه و سیاست دربار واتیکان است. وی اوضاع جهان و عریانی

امروز اسلام را خوب درک می کند. این را به نیکی می داند که امروز روز نبرد توحش و تمدن است. و چون چاره ای اندیشیده نشود، فردا دیگر خیلی دیر خواهد بود

قصد پاپ از آوردن نقل قول امپراطور قرن چهاردهم روم شرقی (بیزانس) هم کاملاً از سر آگاهی بوده. بندیکت، این نابغه فلسفه و سیاست واتیکان که امروز بر بزرگترین مقام کلیسای مسیحیت نیمه پروتستان هم تکیه زده، باید اصلاً از شعور تهی باشد که اوضاع امروز جهان و این حساسیت ها را درک نکند. او نقل قول می آورد که گفته شده اسلام عزیز دین جهاد است، با خشونت و به زور شمشیر هم پیشرفت کرده. **بندیکت از این سخن چند قصد دارد، یکی اثبات این حقیقت، و دو دیگر نهیب زدن به مسیحیان و آنانرا بهوش آوردن. که ای جهان مسحیت، ای متمدنین! اگر هر چه زود تر خود را باز نیابید و متحد نشوید، اسلام عزیز تمام ممالک مسیحی را هم با زور تصاحب نموده و این توحش را عالمگیر خواهد کرد**

پاپ بندیکت شانزدهم خوب می داند که چگونه می توان برای نشان دادن توحش از خود وحشی سود برده و برهان آورد. او در یک سخنرانی در آلمان، نقل قول می آورد که اسلام دین خون و خشونت است، و لشکر هایی میلیونی از این وحشیان را به میدان می کشد، که خود حقیقت خویشتن را نمایشگر باشند. حال گله هایی میلیونی از این وحوش در سراسر گیتی براه افتاده. آنهم صرفاً به دلیل یک انتقاد و اظهار عقیده ی کهنه، مربوط به ششصد سال پیش. **آنان آمده اند که با تجاوز و غارت و قتل و آتشسوزی و کتک و اهانت نشان دهند که پاپ اسلام را درک نکرده، و دین مبین با هر گونه خشونتی مخالف است!؟**

عده ای کلیسا می سوزانند، عده دیگری به زنان مسیحی تجاوز می کنند، لشکر های جراری حتی مسیحیان ارتدکس و پروتستان را هم کشته به سنگ و کلوخ گورستان پیروان عیسی ی مریم نیز رحم نمی کنند، پاره ای هم که می خواهند با خنجر پر مهر اسلام سر پاپ بندیکت را از تن جدا ساخته و اصلاً خاک واتیکان را به توپره کشند، همه و همه ی این بربریت و اعمال سبعانه را هم بدین منظور انجام می دهند تا نشان

دهند که اسلام عزیز دین رأفت و رحمت و بخشش و دوستی است، از هر نوع خشونت هم مبرا است

در این میان اما آنان که مهر های تأیید معتبر تری بر ادعای پاپ می زنند، همانا رهبران و اساتید و عقلا ی این وحشیان هستند، بویژه ملا های ایران. آنچه اما از همه ی اینها شرم آور تر لیک مضحک تر است، **اظهار فضل شیخ**

**عبدالعزیز، مفتی بزرگ مکه** و از سران کیش وهابی است. وی که قصد دار نشان دهد پاپ بیهوده اسلام را دین خشونت و جنگ نامیده، ضمن فحاشی مرسوم پیروان دین حنیف، **تمامی آن خشونت را که پاپ مدعی شده، از روی قرآن و سنت و حدیث ثابت می کند و می فرماید همه ی این خشونت ها جزو دستورات قرآن و رسول و سنت است، اما در انتها باز نتیجه می گیرد که اسلام دین رحمت و بخشش است، پاپ را هم با ناسزا گویی به تهمت زدن به اسلام عزیز متهم می سازد. به قول خودشان باید گفت که جل الخالق!** ...امیر سپهر